

ایام پُر میمنت عید مبارکباد

(صبح)



خواهم که همیشه شالو خندانانت ببینم
درد و غم ورنج د ورازجانانت ببینم



تا است جهان در همه عید و برات
چون چلچله مست و غزلخوات ببینم



آرزومندم به برکت عید - قناری خوشی در دلهاو گلبرگ خنده بر لبها پروید

گرمترین درود و تمنیات برادرانه مرا به مناسبت فرارسیدن خجسته عید قربان پذیرا شوید، تمنا دارم عید خجسته ی قربان، سعادت و کامگاری و کانون گرم خانواده گی به شما - صلح و برادری و سربلندی به افغانستان عزیز و مردم ستمدیده اش به ارمغان آورد.

(آمین یا رب العالمین)

میخواهیم عید کنونی سمبول شود برای خوشبختی مردم و سرفرازی میهن درد دیده ما که دهها سال میشود گرفتار ظلم و ستم بوده و به خصوص طی سالهای اخیر مورد چور و چپاول زورمندان و چپاولگران قرار گرفته است. کشور را چپاول و مردم را محتاج لقمه نان ساخته، کمکهای بین المللی برای بازسازی و آبادی به تاراج، مال بیت المال به یغما، ثروتهای مادی و معنوی دزدی، زمینها و جایداد های دولتی و همه و همه به چپاول برده شد. دولتمردان بی کفایت و بی لیاقت با گذشت هر روز چهره مینمایند و به بی کفایتی و روزگذرانی شان مهر تائید میزنند. رسانه ها به وسیله ی بی ارزشی مبدل گردیده است به حرف و کلام آن کسی توجه نمیکند و به گوشها قفل نا شنویی زده اند.

دولتمردان فعلی با ائتلاف های مصلحتی، همیاری های مقطعی، همکاری های منفعتی، دوستی و دشمنی های زمانی و بخاطر پول و قدرت به هیچ عهد و پیمانی پا بند نبوده و امروز اگر دشمنی خونی بوده اند و فردا از یک گریبان سر بیرون کرده اند، اینان طی سه دهه ثابت کرده اند که از هیچگونه معامله و سوداگری و اجنبی پرستی دریغ نمیکنند.

عملکرد اینان همه زاده ائتلاف های مصلحتی و زود گذر است که به اساس ضرورت و منافع شخصی و گروهی انجام میگیرد و هیچکدام نسبت به کشور و مردم کشور دلسوزی و پابندی ندارند. مردم با در نظر داشت میلیاردها دالر کمک بین المللی و پشتیبانی و "حضور" نظامی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی جهانی، انتظارات فراوانی داشتند اما بدبختانه سنگی سختی بر شیشه امیدواران خورد. مشکلات زیادی باقی مانده و حتی بعضی مسایل نه تنها که کاهش نیافته بلکه بطور نگران کننده ی رو به افزایش بوده اند. دولتمردان در امر "مبارزه" با مواد مخدر تا کنون موفق نبوده و کشت و قاچاق مواد مخدر همچنان رو به افزایش است. دیگر از جمله کارهای که انجام میگردید، مسئله بازسازی و کندی روند آن است. پولهای سرسام آوری وارد کشور شد، اما در قسمت باز سازی کاری چندانی نشده است. فساد اداری در دستگاه دولت به اوج خود رسیده است. همچنین موسسات غیر دولتی که بخشی از امور بازسازی را بر عهده دارند اغلب آنها پولهای مردم فقیر و بیچاره ما را بدون هیچگونه حساب و کنترولی حیف و میل می کنند. نا امنی و خشونت بیشتر شده و مردم نگرانند. گروههای مسلح غیرمسئول در همه جا وجود دارند و تهدید علیه امنیت هستند. پروسه خلع سلاح تکمیل نشده و تهدیدات و خطراتی در این زمینه وجود دارد. زورگویان از جمله جنگسالاران هنوز قدرت را در دست داشته و بر سرنوشت مردم حاکمیت دارند.

یکی از بیماری های خطرناک، فساد اداری است. فساد اداری در کشور پدیده ملموس، شناخته شده، زجرآور و فراگیر است که جامعه وجود آن را حس می کند و در همگانی بودن آن تردید ندارند. اما دلایل این گستردگی در چیست؟ و چه حلقه های در دولت در انکشاف و ترویج آن تلاش همیشگی دارند؟.

وزیران، والیان، مسوولین نظامی و سیاسی که همه از جنگ سالاران، زورگویان، تفنگداران، چپاولگران، بی سوادان، تنظیم گرایان هستند و تمام ارگانهای قوای دولتی، قانونگزاری ها، ادارات قضایی و وزارت خانه های کلیدی و پردرآمدی همچون دفاع، داخله، امنیت ملی، مالیه، تجارت شرکت های امنیتی خصوصی، انجوها، ادارات ولایات را در دست دارند. فساد در کشور جزو مظالم و بدبختی های همگانیست، و به مبارزه همگانی ملی، نیاز قاطع دارد، و چنین اقدامی به یک رستاخیز میهنی، قیام بر ضد قدرتمداران فساد پیشه (مانند وال استریت) و تحقق عدالت اجتماعی محقق خواهد شد و بس.

بلی! در جایی که تفنگ و زور و دالر مسلط است و مافیای هیروئین، بنیادگرایی، جنگ سالاری، تنظیم گرای، قوم پرستی و ملیت گرایی دست باز دارد، صحبت از وجود آزادی و دموکراسی و قانون و عدل خنده به ریش قانون و خواستهای ملی مردم کشور است. از زد و بندها، کش و گیرها، قانون شکنی ها، مصلحت خواهیها، دوستی های زمانی، دشمنی های مقطعی، ائتلاف های نامتجانس، ناهمگونی های معین، در آغوش کشیدن های دروغی، کمیسیون و کمیسیون بازی، ایجاد ادارات ضد فساد که خود راهی برای خورد و برد است، چنین استنباط میشود که بازی های جدید و جدی استخباراتی و سیاسی جدید، برای اغوای مردم، سرپوش گذاشتن به مشکلات جامعه، آب گیل کردن و ماهی مراد گرفتن و مصروف ساختن ملت دربند، در پشت این همه هیاهو به شدت جریان دارد، مدعیان قدرت تصمیم گرفته اند که ملت را همچنان در فلاکت و سیه روزی نگهدارند. رشوت، خویش خوری سبوتاژ به اوج خود رسیده نظام اداری میراث بجا مانده از زمان چور و چپاول کشور وسیله مفتخوران تنظیمی، منطقه پرستان ستمی، چپاولگران تفنگدار و سنت های واپس گرایی بوده که انحصار، استبداد، نژاد سالاری و خویشخوری جزو شاخصه های انفکاک ناپذیر آن به شمار می آید. جنایتکاران آدمکش تحت نام "اداره" و "حکومت اسلامی"، مردم را تار و مار و کشور را غار غار نموده اند، اینان گاهی بنام عدالت، گاهی بنام امنیت، گاهی بنام دین و گاهی بنام "جهاد" و زمانی بنام مقاومت! و هنوز که هنوز است به نعره تکبیر و . . . سوگند میخورند که از تاراج و چپاول و از دزدی و قطاع الطریقی و بستن و مسدود ساختن راه و شاهراه سخن میگویند، آنان که خود و تفکر خود را بر حق می دانند و دیگران را باطل و آنهایی که می خواهند بر مردم سیادت کنند بر اریکه قدرت لمیده اند و از راه ها و شیوه های مختلف زراندازی و زورگویی دارند. این عاشقان سینه چاک دالر و پوند، کرسی و قدرت، زر و زور با تقلید از بنیادگرایان منطقویی بار دیگر با حجاب سبز و روبند افراطگرایی یخ دل خود را از ملت بکشند و لقمه نانی بخور و نمیر مردم دردمند را مانند گذشته با بستن جاده و خیابان از ایشان بگیرند. اما اینان با تپ تپ پای میخوانند زمامداران بی همت و بی غیرت را به قول معروف در سه کنجی گیر بیاورند و چوکی بگیرند و از

خارجیان وند بززند، میگویند درد شکم میرود و اما داغ چوکی نه - تصمیم دارند بار دیگر داغهای ننگینی بر پیشانی خود بززند تا روسیاه تر و گناه کار تر شوند.

بیاید همه یکجا دست ها را به بارگاه خالق لایزال بلند نموده، به پاکی و قدسیت این ایام خجسته بخواهیم که حقوق مردم مظلوم را از چنگال ظالمین بیرون نموده و خائنین را به جزای اعمالش برساند تا ملت خود به سرنوشتش دست پیدا نماید و کشور و مردم کشور دیگر مورد تاخت و تاز زورمندان قرار نگیرد. به میمنت این ایام فرخنده، دستهای ناپاک و کثیفی بیگانگانی دور و نزدیک و بخصوص پاکستان و ایران را از دامان پر عذوبت مادروطن برای همیشه کوتاه بگرداند.

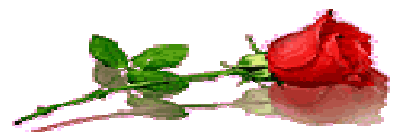
خداوندا به بزرگی و عظمتت، دیگر اشکی را بخاطر ویرانی کشور و چپاول ملت نریزانی و آبادی و سرسبزی را نصیب وطن و خیر و سعادت را به مردم وطن ارزانی نمائید.

ومن الله توفیق.

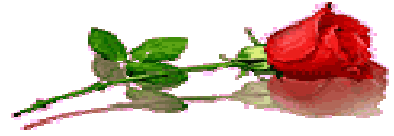
با ارادت بی پایان، دوست همیشگی و دایمی تان (صبح)



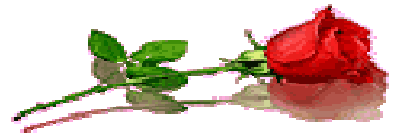
تو ای مهتاب و شبهای انتظاری
بخوان از عید و برات چون قناری
همی خواهم که قلبها شاد گردد
به هر خانه گلی خنده بکاری.



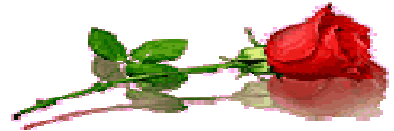
بیا ای عید ز روی لطف و یاری
خط بطلان بکش بروز شماری
برای مردمانی خسته از جنگ
صفا و صلح، بیاری یادگاری.



شبها کتاب خوشی می گشودی
دلها را با حدیث اش می ربودی
چه میشد گر به پاس عید و برات
نوایی خوشبختی می سرودی.



اگر ای عید از روی جوانی
کنی شفقت نمایی مهربانی
به پیش خالق زمین و آسمان
حدیثی درد مندان را بخوانی.



www.esalat.org